

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع: تمایز علوم

جلسہ:

۲۱

تاریخ:

۱۹ | ۸ | ۳۳

بحث چهارم:

تمایز علوم

بررسی نظریه هشتم : نظریه امام خمینی رحمة الله عليه

تمایز علوم ، بالذات و ناشی از **سنخیت ذاتی** قضایای یک علم است

متن عبارت :

« كما أنّ منشأ الوحدة في العلوم هو سنخية قضايها المتشتمة ، و منشأ امتيازها هو اختلاف ذاتها و سنخ قضايها »

نظریه
حضرت
امام

نقد

قضایای علوم مرکب از سه چیز است :

«موضوع، محمول و نسبت» که «غرضی» را دنبال می کنند.

پس تسانخ یا موضوع است یا به محمول یا به غرض و فرض دیگری نداریم

جواب :

آقای فاضل جوابی داده اند که از آن بر می آید گویی علاوه بر موضوع و محمول و نسبت، شیء چهارمی هم به نام «مجموع القضیه» داریم!

نقدِ جواب :

قضیه واحد اعتباری است ؛ واحد اعتباری هویتی جز اجزاء خود ندارد

= چیزی به نام «مجموع القضیه» نداریم

در جواب اشکال می گوئیم

خلاصه نظر حضرت امام :

سنخیتی که در ذات قضایا وجود دارد

(که ناشی از ذات موضوع یا قید موضوع یا محمول و یا .. است)

باعث چینش قضایا در کنار هم شده و غرض واحدی را تأمین می کنند.

دو نکته :

۱. برخی سنخیت را ناشی از **غرض واحد** برشمرده اند
نقد : غرض، **معلول** سنخیت است و سنخیت نمی تواند ناشی از وحدت غرض باشد.

۲. غرض، در کلام امام **واحد سنخی** است
لذا تک تک مسائل باید آن را تأمین کنند.

اشکال ما به کلام حضرت امام خمینی

غرض، **واحد شخصی** است

بنابراین : تمایز علوم به سنخیت قضایای موجود در یک علم است ولی لازم نیست
هر مسأله آن غرض را تأمین کند.

بحث چهارم:

تمایز علوم

بررسی نظریه نهایی : تمایز به محصل غرض

نکته اول

علم واحد اعتباری است

نکته دوم

ملاک صحت هر اعتبار، غرضی است که اعتبار کننده دارد.

نکته سوم

پیدایش علوم، تابع غرض های متفاوتی است که اعتبار کنندگان دارند.
غرض ها : عامل پیدایش علوم مختلف ، نه عامل تمایز بین علوم

نکته چهارم

اینکه علوم می توانند، غرض های اعتبار کنندگان را تأمین کنند، ناشی از
خصوصیاتی است که در قضایای آن علوم وجود دارد

نکته پنجم

(با توجه واحد اعتباری صناعی بودن علوم)

این خصوصیات گاهی مختلف و گاهی خصوصیت واحدی است که در همه قضایا به نحو یکسان وجود دارد.

در هر دو صورت ، خصوصیت نمی تواند مربوط به امری خارج از اجزای قضیه باشد.

نکته ششم

در مواردی که خصوصیت واحد است ، وحدت خصوصیت ممکن است :

ناشی از وحدت ذات موضوع، وحدت حیثیت موضوع و یا وحدت شرط و یا وحدت اجزاء دیگر باشد.

نکته هفتم

تمایز در علوم، ناشی از تمایز در محصل غرض است

نکته هشتم

تفاوت سخن ما با مرحوم آخوند :

مرحوم آخوند : تمایز علوم را به اختلاف اغراض می دانستند

ما : تمایز علوم را به اختلاف خصوصياتی که محصل غرض هستند می دانیم.

نکته نهم

تفاوت سخن ما با حضرت امام خمینی :

حضرت امام : غرض از علوم را واحد سنخی بر می شمارند
(در نتیجه : با حصول هر قضیه، غرض به تمامه تأمین می شوند)

ما : غرض از علوم را واحد شخصی می دانیم

نکته دهم

علت مردود شدن مبنای مشهور (تمایز به جامع موضوعات) :

۱. علوم نیازی به موضوع ندارند.
۲. تمایز در همه علوم جاری نیست.

نکته یازدهم

علت مردود شدن مبنای مرحوم بروجردی (تمایز به جامع محمولات) و

مرحوم نائینی (تمایز به حیثیات) :

این ملاک ها در همه علوم جاری نیست

نکته دوازدهم

در مواردی که تمام خصوصیات (موضوع، محمول، حیثیت و غرض) واحد
است

و تمایز به روش های آنها می باشد

باید بگوییم : این دو، حقیقتاً یک علم می باشند و دو اجتهاد درون یک علم

می باشند. (مانند مکتب مشائین و اشراقیون در فلسفه)

نکته سیزدهم

اگر وجدانا و در نظر عرف، دو علم باشند :

خواهیم گفت : یکی از ارکان این علوم (بر خلاف ظاهر) با هم مختلف می باشند

مثال : فلسفه و عرفان : در ظاهر موضوع، واقعیت است ولی :

موضوع عرفان : آنچه شهود می شود / موضوع فلسفه : آنچه ثابت می شود

نتیجه : تمایز به روش، لاجرم به تمایز های ذاتی در ارکان قضیه منتهی می شود

نکته چهاردهم

تمایز علوم به تمایز خصوصياتی است که محصل غرض هستند.